

## محل شهادت امير المؤمنين علي بن ابوطالب

مقتل علي بن أبي طالب

شيخ الاسلام ابن تيميه



سنی بوک - کتابخانہ مجازی اہل سنت

[www.SunniBook.net](http://www.SunniBook.net)

## بسم الله الرحمن الرحيم

از شیخ الاسلام ابن تیمیه پرسیدند آیا برای علما و محدثین و کسانی که می توان به آنان اقتدا کرد ثابت شده که امام علی فرموده با شد اگر من مردم بر پشت شترم سوار کرده و شتر را رها کنید هر کجا خوابید آنجا مرا دفن کنید پس از شهادتش این چنین کردند و به همین علت در حال حاضر محل دفن وی معلوم نیست آیا چنین چیزی صحت دارد یا خیر؟ آیا کسی از علما محل دفن امام علی را می داند؟ و اصلاً علت به قتل رسانیدن وی چه بود؟ و در چه وقتی روی داد؟ و چه کسی وی را به شهادت رساندند؟ و همچنین و به چه علت امام حسین را به شهادت رساند؟ و آیا صحت دارد که به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وسلم توهین شده و پس از مرگشان آنها را به صورت لخت و عریان بر شتر سوار کرده و عورتشان را نپوشانیده باشند و خداوند برای شتر دو کوهان آفریده باشد تا عورت آنها را در

میان آن دو کوهان بپوشانند؟ و آیا صحت دارد پس از شهادت امام حسین سر وی را در تمام شهرها نمایش داده سپس به سوریه و مصر انتقال داده و در مصر دفن کرده باشند و تمام این جنایتها را یزید پسر معاویه با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام داده باشد؟ (و در صورت عدم صحت) آیا گوینده این جملات بدعت گذار در دین محسوب می شود یا خیر؟ و سزای کسی که این جریانات را در میان مردم اشاعه می دهد چیست؟ آیا کسی که جلوی پخش و اشاعه اینها را بگیرد کارش امر به معروف و نهی از منکر به حساب می آید یا خیر؟ لطفاً به صورت واضح و روشن ما را راهنمایی فرمائید خداوند متعال به شما اجر و پاداش خیر دهد.

### **داستان سوار کردن جنازه امام علی بر شتر یک روایت کاملاً جعلی است.**

شیخ الاسلام ابن تیمیه پاسخ دادند که: این که امیر المؤمنین علی وصیت کرده باشد که پس از مرگش بر پشت شترش سوارش کرده و شتر را رها کرده و هر کجا که شتر خوابید دفن گردد و چنین کرده باشند، این جریان به اتفاق تمام علما دروغ و ساختگی و جعلی بوده، امام علی چنین وصیتی نکرده و چنین جریانی اصلاً رخ نداده و هیچ کدام از اهل علم و انصاف آن را نفرموده اند این جملات فقط از عده ای دروغگو نقل شده است. و اصلاً جایز نیست چنین عملی با جنازه هیچ مسلمانی انجام داده شود و این چنین وصیتی نامشروع است و این عمل همان مثله کردن جنازه به حساب می آید و فایده ای در انجام این کار وجود ندارد اگر منظور از این عمل مخفی ساختن محل دفن است، اصلاً نیازی به این اهانت و توهین به جنازه نیست بلکه می توان به صورت سری و مخفیانه قبری کند و او را در آن دفن کرد چه

نیازی هست که جنازه را سوار بر شتر در میان مردم بگردانند.

اما علما در مورد محل واقعی دفن امام علی اختلاف نظر دارند، معروف و مشهور نزد علما این است که امام پس از شهادتش در قصر حکومتی کوفه معروف به دار الاماره دفن گشته تا بدین شیوه مخفی بماند. مبادا خوارج وی را از قبر بیرون آورده و جنازه را هتک حرمت کنند. (چنین کاری از خوارج بر می آید) آنها امام علی را کافر پنداشته و خون ریختنش را حلال می دانستند کسی که وی را به شهادت رساند عبدالرحمن پسر مدجم مرادی یکی از افراد خوارج بود که با دو نفر دیگر از خوارج برای کشتن امام علی، معاویه و عمرو عاص با هم پیمان بسته بودند چون هر سه نفر را کافر می دانستند و هم چنین هر کسی را که با فکر و اندیشه آنان سازگاری نداشته را تکفیر می کردند.

### **توطئه چینی برای قتل عده ای از اصحاب و جنگ امام علی با خوارج**

احادیث پیامبر در مذمت خوارج به حد تواتر رسیده است امام مسلم در صحیح خود از ده طریق و امام بخاری نیز از طریقه های متعددی حدیث مربوط به خوارج را نقل کرده اند و هم چنین در سایر سنن و مسانید بیشتر از صحیحین (مسلم و بخاری) در این رابطه حدیث به دست ما رسیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در رابطه با خوارج می فرماید: (یحقر احدکم صلاته مع صلاتهم و صیامه مع صیامهم و قرائته یقرئون القرآن لا یجاوز حناجرهم یمرقون من الاسلام کما یمرق السهم من الرّمية لئن ادرکهم لأقتلنهم قتل عاد) - و فی روایة - (أینما لقیتموهم فاقتلوهم فان فی قتلهم اجراً لمن قتلهم عندالله یوم القیامة یقتلون اهل الاسلام و یدعون اهل

الاوثنان). هر کدام از شما در مقابل نماز و روزه و قرائت قرآن آنان، نماز و روزه و قرائت خود را کم و اندک و ناچیز می‌شمارد، آنان قرآن می‌خوانند اما از حنجره هایشان تجاوز نمی‌کند از اسلام بیرون می‌روند همانند بیرون رفتن تیر از لاشه حیوان شکار شده اگر آنها را ببینیم همانند قوم عاد آنان را به قتل می‌رسانم - و در روایتی دیگر می‌فرماید - هر کجا که آنها را دیدید بکشیدشان براستی که در روز قیامت به قاتلین آنان اجر و پاداش داده می‌شود آنها امت اسلام را می‌کشند در حالی که به بت پرستان کاری ندارند. تمام اصحاب پیامبر بر کشتن آنان اتفاق نظر داشتند اما کسی که مستقیماً با آنان جنگید و به کشتن شان دستور داد امام علی بود. همچنان که در صحیحین (مسلم و بخاری) آمده که ابی سعید خدری از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل کرده که فرمود: (تمرق مارقة علی حین فرقة من الناس تقتلهم أولى الطائفتین بالحق). به هنگام بروز اختلاف و دو دستگی در میان مسلمین، گروهی از اسلام جدا می‌شوند که نزدیک ترین دسته و طائفه به حق، با آنان می‌جنگد همین شد امام علی در روز جنگ نهروان آنان را به قتل رسانید چون خوارج در محلی به اسم حروراء جمع شده بودند، به آنان حروریه می‌گفتند. قبل از این که جنگ رخ دهد امام علی عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما را به نزد آنان جهت مناظره فرستاد و در نتیجه بحث و گفتگوی ابن عباس با آنان نزدیک به نصفشان به سوی حق بازگشته و بقیه بر عقیده خود ماندند پس از آن عبدالله پسر خباب را به شهادت رسانده و حیوانات و اموال مسلمانان را غارت کردند امام علی نیز مردم را برای جنگ و رویارویی با آنان فرا خواند و احادیث پیامبر در رابطه با خوارج را

به مردم گوشزد کرده و وجود نشانه ها و علامات ذکر شده در احادیث را در افراد خوارج برای مردم ثابت کرد.

و این حدیث پیامبر را به یاد آنان انداخت که فرمود: در میان آنان مردی با دستهای ناقص و کوتاه وجود دارد که روی یکی از پستانهایش تکه گوشتی اضافه آویزان است، پس از پایان جنگ در میان جنازه های خوارج دقیقاً چنین فردی را پیدا کردند. هم چنان که قبلاً ذکر شد وقتی سه نفر از خوارج جهت قتل سه نفر از بزرگان مسلمین آماده شدند، عبدالرحمن پسر ملجم مرادی موفق شد امام علی را در روز جمعه، هفدهم ماه مبارک رمضان سال چهل هجری به شهادت برساند، وقتی امام علی برای ادای نماز صبح به مسجد تشریف آورد ابن ملجم مرادی که خود را مخفی ساخته بود او را با شمشیر زد. سنت در میان مسلمین همین بود که خلفاء و امیرهای جانشین آنان نمازهای پنجگانه، نماز جمعه و نماز عید و نمازهای طلب باران و خورشید گرفتگی و نمازه جنازه و غیره را برای مردم به امامت بخوانند همان امیر جنگ، امام نماز نیز بود. اما کسی که خواست امیر معاویه را به قتل برساند عده ای می گویند موفق شد او را زخمی کند اما پزشکان وی را علاج کردند و به او گفتند به علت ضربه ای که خورده نسلش قطع خواهد شد. و برخی دیگر می گویند: امیر معاویه قسمتی از مسجد را به صورت دیوار و حصار جدا کرده بود تا خود و اُمرا و افراد عالی رتبه حکومت اسلامی در آنجا پشت سر وی نماز بخوانند تا مخالفین دستشان به خلیفه نرسد اگر چنین کاری کرده باشد. هستند کسانی که نماز خواندن در چنین مکانهایی را مکروه می دانند.

و اما کسی که خود را برای کشتن عمرو ابن عاص آماده ساخته بود موفق نشد چون آن روز عمرو ابن عاص به نماز صبح نیامده بود بلکه فردی به اسم خارجه را جایگزین کرده بود وقتی آن مرد او را به قتل رساند و مطمئن شد عمرو ابن عاص نیست و خارجه است گفت: من قصد قتل عمرو را کردم اما خدا قصد قتل خارجه را داشت پس خارجه نیز مانند عمرو شد (مانند عمرو کافر شد) می گویند: مسلمانان قبر امام علی و امیر معاویه و عمرو عاص را از ترس فتنه خوارج مخفی کردند و از ترس خوارج بود که معاویه را پشت دیوار جلوی مسجد جامع در قصر حکومتی که «خضراء» نام داشت دفن کردند و همین قبر است که مردم آن را به قبر پیامبر خدا هود علیه السلام می شناسند. به اتفاق علما حضرت هود به دمشق نیامده بلکه ایشان در کشور یمن همانجایی که به پیامبری برگزیده شد دفن گشته اند. و عده ای می گویند حضرت هود به مکه هجرت کرده و در همانجا سکونت کرده و در مکه مدفون است و هیچ عالمی نگفته که در دمشق است. اما قبری که در بیرون «باب التصغیر» به قبر معاویه مشهور است قبر معاویه پسر یزید است که مردی پارسا و اهل تقوی بود و چهل روز بر مردم حکومت کرد و امام علی نیز در همانجا دفن شده و قبرش با خاک یکسان شده تا مخفی بماند.

## **زیارتگاه مشهور نجف، قبر امام علی نیست**

اهل علم بر این امر اتفاق نظر دارند که قبر امام در زیارتگاه مشهور نجف نیست بلکه عده ای می گویند مغیره پسر شعبه در آنجا مدفون است هیچ عالمی نفرموده که قبر امام علی در نجف است جالب اینجاست بیش از سیصد سال از شهادت امام علی گذشته بود و هنوز کسی به زیارت،



زیارتگاه نجف نرفته بود در حالی که مسلمانان زیادی از اهل بیت، شیعه و سایرین در نجف زندگی می کردند، آن قبر پس از سیصد سال یعنی در زمان حکومت بنی بویه که یکی از پادشاهان غیر عرب بود، به عنوان زیارتگاه انتخاب شد و به قبر امام علی نامگذاری شد. داستانهای نیز در رابطه با آمدن رشید خلیفه به سوی آن قبر روایت کرده اند اما قابل اعتماد نیستند.

### شهادت امام حسین

امام حسین که لعنت بر قاتلش و هم چنین لعنت بر کسی که به قتلش راضی بود باد، در روز عاشورا (دهم محرم) سال 61 هجری شهید شد، کسی که بسیار برای کشتنش تلاش می کرد شمر پسر ذی الجوشن بود که چندین بار به جانشین یزید در حکومت عراق یعنی عبیدالله پسر زیاد نامه نوشت و بالاخره ابن زیاد نیز به جنگ و رویارویی با امام حسین دستور داد، ابن زیاد، عمر پسر سعد ابن ابی وقاص را به جانشینی خود در این جنگ انتخاب کرد هر چند که امام حسین مانند سایر مسلمانان به آنها گفت با خود جنگ آور نیاورده و قصد جنگ ندارد و از آنها خواست او را آزاد بگذارد تا به سوی مدینه بازگشته و یا او را به نزد پسر عمویش یزید بفرستند یا بتواند به «ثغر» رفته و با کفار بجنگد اما آنها گفتند یا باید به اسارت آنها در آید یا با او می جنگند امام حسین اسارت را قبول نکرد و با او جنگید تا خود و عده ای از خانواده و یارانش را به شهادت رساندند سپس جنازه و خانواده اش را به نزد یزید پسر سر معاویه در دمشق فرستادند یزید به قتل امام حسین دستور نداده بود بلکه از کشتنش نیز خوشحال نشد می گویند وقتی جریان را فهمید گفت: لعنت خدا بر بن زیاد باد به خدا سوگند اگر در میان ابن زیاد

و حسین صله رحمی وجود داشت حسین را نمی کشت. یزید خواست با این جمله، ادعای ابن زیاد را زیر سوال ببرد که خود را از ابی سفیان می دانست. (ابوسفیان از بنی امیه و امام حسین از بنی هاشم بود) و بنی امیه و بنی هاشم هر دو از بنی عبد مناف بودند.

روایت شده وقتی جنازه امام حسین و خانواده ایشان به نزد یزید رسیدند گریه و زاری تمام کاخ و منزل یزید را گرفت یزید احترام و محبت فراوانی را به نسبت خانواده ایشان اظهار کرده و پسرش علی را در بین ماندن نزد یزید و یا رفتن به مدینه مختار کرد که علی رفتن به مدینه را انتخاب کرد اما محلی در مسجد جامع دمشق که به زندان علی ابن حسین معروف است باطل و بی اساس است اما متأسفانه با وجود همه اینها یزید نه تنها حد و قداص شرعی را با قاتلین امام حسین اجرا نکرد بلکه برای تداوم حکومت و ملک خویش یاران وی را نیز به قتل رساند. در این رابطه اشعاری نیز از وی نقل گشته که کفر صریح و آشکار است:

لما بدت تلک الحمول و اشرفت  
تلک الرؤس الی ربی جیرونی  
نعق الغراب فقلت نج او لا تنج  
فلقد قضیت من النبی دیونی

## نظر مردم در رابطه با یزید ابن معاویه

نظر و رأی مردم در رابطه با یزید متفاوت است، بعضی او را کافر پنداشته و حتی پدرش را تکفیر کرده و به همین اندازه بسنده نکرده بلکه حتی ابوبکر و عمر و عثمان و جمهور مهاجرین و انصار را نیز مرتد و کافر دانسته اند این گروه رافضه نام دارند که جاهل ترین و گمراه ترین مردمان اند و بیشترین دروغها را به خدا

و پیامبر و اصحاب اهل بیت بسته اند پس افترا و دروغ بستنشان به یزید مانند افترا و دروغ بستن به ابی بکر و عمر و عثمان است بلکه نسبتاً بسیار اندک و ناچیز است.

گروهی دیگر وی را از جمله ائمه و پیشوایان دینی و خلیفه های عادل و صالحین درگاه خدا و حتی صحابه شمرده اند و گروهی دیگر وی را پیامبر نامیده اند که این ادعاها از جمله روشن ترین و واضح ترین جهالت ها و ضلالتها است یزید پادشاهی است مانند سایر پادشاهان مسلمان که نیکی و بدی فراوانی داشته است قول صحیح در رابطه با او همانند قول در رابطه با سایر پادشاهان است در جاهای دیگر این بحث را به طور مفصل شرح داده ایم.

### **«نقد و بررسی روایات مربوط به یزید و**

### **شهادت امام حسین و محل دفن وی»**

امام حسین در محل کربلا نزد یک به رود فرات شهید گشته و جنازه وی در همان محل دفن شده و سر بریده شده اش به نزد عبیدالله ابن زیاد در کوفه فرستاده شد این چیزی است که امام بخاری در صحیح خود و عده ای دیگر از ائمه آن را نقل کرده اند. اما حمل جنازه به سوی شام به نزد یزید در روایتهای منقطعی آمده که هیچ یک از این روایتها ثابت نیستند حتی در بعضی از آنها کلماتی وجود دارد که شکی در ساختگی بودن آن باقی نمی گذارد مثلاً در یکی از این روایات آمده که یزید با تکه چوبی لب امام حسین را بالا زده و آن را به دندانهایش کشیده و عده ای از اصحاب مانند انس ابن مالک و ابی برزه در آنجا حضور داشته و از این کار نهی کرده اند که این، انحراف و عوض کردن ماجرا است.

اولاً هم چنان که در احادیث صحیح آمده کسی که این کار را انجام داده عبیدالله ابن زیاد بود نه

یزید در این روایت یزید را به جای ابن زیاد گذاشته اند شکی نیست که ابن زیاد دستور قتل امام حسین را صادر کرده و امر کرد تا سرش را به نزد وی ببرند.

ثانیاً پس از این ماجرا ابن زیاد به همین خاطر از جانب مسلمین کشته شد چیزی که ماجرا را بیشتر روشن می کند این است که دو صحابه مذکور در شام نبوده اند بلکه در آن هنگام در عراق سکونت داشته اند. دروغگویان سازنده این روایت حداقل همین اندازه آگاهی نداشته اند تا بدانند به چه چیزی استناد کرده اند. اما داستان حمل و انتقال جنازه و یا سر امام حسین به مصر باطل و جعلی است تمام علما بر این رأی متفق اند که زیارتگاه مشهور به قبر حسین در مصر کاملاً ساختگی است نه جنازه و نه سر امام حسین در آنجا دفن نشده است.

این زیارتگاه در اواخر دوره حکومتی اولاد عبیدالله ابن قداح که دویست سال بر مملکت مصر حکومت کرده و در زمان نورالدین محمود حکومتشان نابود گردید ساخته شد آنها ادعا می کردند از اولاد حضرت فاطمه هستند و ادعای شرف نسب و خاندان می کردند در حالی که دانشمندان و متخصصین علوم انساب می گویند حسب و نسب شریفی ندارند و بعضی می گویند جدّ بزرگ آنان ربیب شریف حسینی است که به خاطر رسیدن به او در نسب است که ادعای شرف خاندان و نسب می کنند علمای کرام می گویند این گروه، مذهب و عقیده منکر و خبیثی داشته اند.

مذاهب شیعه را در مصر علنی کردند اما بیشتر افراد بزرگ و افراد عادی آنها مذهب خبیث قرامطه باطنیه را داشته اند که از جمله خبیث ترین مذاهب روی زمین و خطرناک تر از دین یهود و مذهب یهود و نصاری است.

به همین خاطر بود که تمام کسانی که به این جماعت پیوستند اهل کفر و نفاق و بدعت فلاسفه و اباحیه و رافضی و امثال اینها بودند که اهل علم و معرفت شکی در کفری بودن این عقاید و مذاهب ندارند.

زیارتگاه مذکور در مصر در قرن پنجم ساخته شده است مدتی پس از آن دولت و حکومتی که آن را ساخته بود با مرگ عاضد آخرین پادشاهشان منقرض شد. آنچه در رابطه با محل دفن سر امام حسین مورد اعتماد باشد گفته زبیر بن بکار است که در کتاب (انساب قریش) می گوید: سر امام حسین به مدینه انتقال داده شد و در آنجا مدفون است زبیر آگاه ترین و مورد اعتماد ترین عالم در علم انساب است و گفته اش نیز مناسب و عقل پسند است.

قبر پسرش علی، برادرش امام حسن و عموی پدرش حضرت عباس نیز همانجا است. ابوالخطاب پسر دحیه که به او می گویند صاحب دو نسب، نسبی از امام و نسبی از دحیه در کتاب (العلم المشهور فی فضل الأیام و الشهور) همان جمله زبیر را از محمد پسر امام حسن نقل کرده و سپس می گوید: وقتی سر امام حسین به مدینه رسید بنی امیه نزد عمرو بن سعید (حاکم مدینه) بودند صدای شیون و زاری را شنیده و پرسیده صدای چیست؟ گفتند صدای گریه زنان بنی هاشم است چون سر حسین را دیده اند شیون و زاری می کنند. سپس ابوالخطاب می گوید: سر امام حسین را به نزد عمرو بن سعید بردند گفت ای کاش امیر المومنین سر حسین را نزد من نمی فرستاد و در آخر می گوید: این اثر<sup>1</sup> ثابت می کند که سر امام حسین به مدینه انتقال داده شده است و جز این اثر قول صحیحی در دست نیست و زبیر آگاه ترین عالم

<sup>1</sup> - اثر به قول صحابه و تابعین گفته می شود. (مترجم).

در علم نسب است. اما آنچه می گویند سر امام حسین در عسقلان مصر دفن شده است داستانی است ساختگی و باطل که هرگز آن را قبول نمی کند کسی که یک ذره عقل داشته باشد چون بنی امیه با وجود همه دشمنی ها و کینه و عداوتی که در دل داشتند چگونه تصور می شود که بر محل دفن سر امام حسین زیارتگاه بسازند؟ این کار در زمان بنی عبید روی داده، در روزهای شکست و زمان روی آوردن نکبتی و بدبختی به آنها و اواخر حکومتشان یعنی در زمان فرمانروایی قاسم عیسی پسر ظافر که در سن پنج سالگی ریاست را به وی سپردند. چون روز جمعه یازدهم محرم سال 544 متولد شده و در روز کشته شدن پدرش ظافر یعنی در روز پنجشنبه آخر محرم سال 549 حکومت را در دست گرفت. بیعت و امامت هیچ حاکمی در سن کودکی جایز نیست.

این حاکم کودک، در شب جمعه هفدهم ماه رجب سال 555 پس از یازده سال و شش ماه عمر فوت کرد. زیارتگاه مشهور مصر در زمان حکومت وی در قاهره ساخته شد، ساختن گنبد و بارگاه و زیارتگاه موسوم به زیارتگاه سر امام حسین فقط به خاطر خود شیرینی و کسب قدرت و سلطه از دست رفته و جلب اعتماد دوباره مردم مسلمان مصر بود و کاری عمدی و قصدی و برنامه ریزی شده بود برای کسب اعتماد و طرفداری مردم، سازنده آن نیز فردی بود به نام طلائع پسر رز یک رافضی بود.

هیچ کدام از نویسندگانی که در رابطه با شهادت امام حسین، کتاب نوشته اند نگفته اند که سر مبارک امام حسین به کشوری غریب برده شده است. و چیزی که ابوالخطاب ابن دحیه در رابطه با ساختگی و جعلی بودن آن محل نوشته، مورد اتفاق اهل علم است.

گفتار در این مورد و موارد مشابه بسیار زیاد است چون به سبب شهادت امام عثمان و امام حسین فتنه های زیادی پدید آمده و دروغ و افتراهای بسیاری ساخته شده عده زیادی از مردمان قدیم و جدید در این فتنه ها و افتراءات افتادند انواع اکاذیب و افتراءات به هر دو امیر المؤمنین عثمان و علی نسبت داده د، بخشی از این افتراءات را دوستان و شیعیان و بخشی دیگر را دشمن ساختند خصوصاً پس از شهادت امام عثمان که دروغ پردازیها زیاد شد. در رابطه با امام علی افتراءات زیادی از دو طرف دوست و دشمن ساخته شده که امام علی از هر دو بری است. بالآخره بدعت سازی کارش به جایی رسید که شرحش بسیار طولانی است مانند: بدعت سازی روز عاشورا که اخیراً ساخته شده و ان اینکه در روز عاشورا عده ایی عزا و ماتم گرفته و در آن مجالس، کارهایی از قبیل شیون و زاری و خود زنی و خود آزاری و ستم بر حیوانات انجام گرفته و همچنین به اولیای بزرگ الهی که در قدیم الایام وفات کرده اند، دشنام و اهانت و توهین می شود و افتراءات و دروغهای زیادی به اهل بیت نسبت می دهند که تمام اعمال مذکور از جانب قرآن و سنت و اجماع نهی شده اند (و در مقابل بدعتهای فراوانی از جانب دشمنان مانند: برپایی جشن و سرور و غسل و پوشیدن لباس نو و عطر افشانی و غیره در همین روز ساخته شده است).

(مقام حسن و حسین و اعمال مشروع و

نا مشروع به هنگام مصیبت)

خداوند متعال در روز عاشورا، امام حسین را به درجه رفیع شهادت مکرم و عزیز ساخته و همچنین قائل و همدستانش و هر کس که به قتلش راضی بود را ست و خوار و ذلیل کرد و اسوه و امام و

مقتدای حسین در شهادتش، شهدای قبل از او هستند.

حسن و حسین سید و سرور جوانان بهشتی اند اما چون هر دو در زمان عزت و قدرت و حکومت اسلام تربیت شده و از هجرت و جهاد و صبر بر اذیت و آزار به خاطر خدا، بهره ایی نبرده بودند، خداوند متعال آنها را به شهادت، مکرم و معزز کرد تا همانند سایر افراد اهل بیت درجه و مقام و منزلتشان کامل گشته و درجه کامل آنها را دریافت کنند و براستی که شهادت امام حسین مصیبتی عظیمی بود.

خداوند متعال به هنگام مصیبت دستور به استرجاع فرموده همچنان که می فرماید: «و بشر الصابرين الذين إذا أصابتهم مصيبة قالوا إنا لله و إنا إليه راجعون أولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمة و أولئك هم المهتدون» به بردباران بشارت دهید آنانیکه به هنگام مصیبتشان می گویند: ما همه متعلق به خدا بوده و همگی به سوی او باز می گردیم آنان کسانی هستند که از جانب پروردگارشان رحمت و برکت بر آنان است و آنها هدایت یافته هستند.

در صحیحین (مسلم و بخاری) از پیامبر اکرم روایت شده که فرمود: «ما من مسلم يصاب بمصيبة فيقول إنا لله و إنا إليه راجعون اللهم أجرني في مصيبتني و اخلف لي خيراً منها، إلا آجره الله في مصيبة و أخلف له خيراً منها» هر مسلمانی که به مصیبتی گرفتار آید بگوید: ما همه متعلق به خدا هستیم و همگی به سوی او بر می گردیم خداوند در مصیبت مرا اجر و پاداش عطا فرموده و بهتر از آنچه از دست داده ام را برایم جایگزین فرما، قطعاً خداوند او را اجر و پاداش عطا فرموده و بهتر از آن را برایش جایگزین خواهد کرد.



جالب اینجاست که امام احمد و امام ابن ما جه از فاطمه دختر امام حسین روایت کرده اند که امام حسین از پیامبر نقل می کند که فرمود: «ما من مسلم یصاب بمصیبة فیزکر مصیبة و إن قدمت فیحدث عندها إسترجاعا کتب الله له مثلها یوم أصیب» هر مسلمانی که به مصیبتی گرفتار آید هر وقت که آن مصیبت را به یاد آورد بگوید: إنا لله و إنا إلیه راجعون، خداوند همان اندازه برایش اجر و پاداش می نویسد که روز اول مصیبت و گرفتاری نوشته است هر چند که مدت زمانی طولانی از وقوع مصیبت سپری شده باشد. این حدیث را فاطمه از امام حسین بازگو می کند فاطمه ایی که شاهد شهادت پدرش بوده است. جای شک و تردید نیست که با وجود مرور زمان و قدمت ایام، باز هم مصیبت کربلا و شهادت امام حسین همیشه به یاد مسلمانان می افتد پس چه زیبا است که هر مسلمانی به سنت پیامبر عمل کرده و هر وقت این مصیبت را به یاد آورد استرجاع کند تا همان اجری را دریافت کند که مسلمانان در روز عاشورا و وقوع حادثه عظیم کربلا دریافت کرده اند.

اما اگر مسلمانی پس از مدت زمانی طولانی به هنگام یاد آوری آن مصیبت کارهای نامشروعی را انجام دهد که پیامبر اکرم آن را در زمان وقوع مصیبت منع فرموده و از آن نهی نامشروعی را انجام دهد که پیامبر اکرم آن را در زمان وقوع مصیبت منع فرموده و از آن نهی می کند مانند: خود زنی، سینه دریدن، واویلا گفتن و غیره، بداند که عقوبت و سزای او بسیار خطرناک تر از کسی است که آنها را در لحظه اول وقوع حادثه مرتکب شده است. در صحیحین (مسلم و بخاری) از عبدالله ابن مسعود روایت شده که پیامبر اکرم می فرماید: لیس منّا من ضرب الخدود و شقّ و دعا

بدعوى الجاهلية كسى كه بر صورت خود كوبيده، سینه را پاره كرده و مانند زمان جاهليت واويلا بگويد، از ما نيست.

همچنين در صحيحين از ابوموسى اشعري روايت است كه فرمود: «أنا برئ مما برئ منه رسول الله إن رسول الله برئ من الحالقة و الصالقة و الشاقة من از هر آنچه پيامبر از آن برى بوده، برى هستم براستى كه پيامبر اكرم از كسى كه به هنگام مصيبت موى خود را بكشد و يا صدايش را بلند كرده و يا سینه را پاره كند، برى بود.

در صحيح مسلم نيز از ابومالك اشعري آمده كه پيامبر فرمود: «أربع فى أمتى من أمر الجاهلية لا يتركونهن: أالفخر بالأحساب و الطعن فى الأنساب و الأستسقاء بالنجوم و النياحة على الميت» و قال: «ألنائحة إذا لم تثب قبل موتها تقام يوم القيامة و عليها سربال من قطران و درع من جرب» چهار اثر از آثار زمان جاهليت در ميان امت باقى مانده كه ترك نمى كنند: افتخار به حسب و نسب خود، طعنه زدن به حسب و نسب ديگران، طلب باران به وسيله ستاره ها و داد و فرياد واويلا كردن بر مرده و همچنين فرمود: زنى كه بر مرده نوحه خوانى مى كند، اگر از عمل خود پشيمان نشود در روز قيامت وقتى برخاسته مى شود پيراهنى از قطران<sup>2</sup> و زرهى از گرى بر تن دارد.

در اين رابطه احاديث بسيار است اين همه عقوبت و سزا براى ارتكاب اعمالى همچون واويلا و نوحه سرايى است چه برسد به اينكه اعمالى ديگر همچون: ظلم و ستم بر مسلمانان (اصحاب)، لعن و نفرين و دشنام و توهين به آنان و همكارى كردن با كفار در رسيدن به اهداف ضد دينى خود كه

<sup>2</sup> - شيره ايبى است كه از بعضى از درختان مانند صنوبر گرفته و به شتر مى مالند. ألمنجد باب قاف (مترجم).

انداختن فتنه و فساد و اختلاف در میان مسلمین است نیز به آن اضافه می شود.

## **(تأثیر احادیث ضعیف و موضوع در ظهور و انتشار بدعت)**

سنّی گراهایی بوده اند که احادیثی جعلی و ساختگی را روایت کرده و یا بر ایشان روایت شد که پایه بدعت‌های مخصوص روز عاشورا را بر آنها گذاشته که بدین گونه خواسته اند با اعمال اهل تشیع مقابله کنند، در واقع به وسیله باطل با باطل مقابله کرد و بدعت را با بدعت پاسخ داده اند، هر کدام از این دو اعمال بیشترین فتنه و فساد را به دنبال داشته و کفار را در رسیدن به هدفشان بهتر یاری می دهد مانند حدیث طولانی (غسل عاشورا) که می گوید: کسی که در روز عاشورا غسل کند در طول سال مریض نمی شود هر کس که در آن روز چشمان را سرمه بمالد آن سال درد چشم پیدا نمی کند.

در این روایت، اعمالی دیگر مانند: حنا گرفتن (حنابندان) در روز عاشورا، با یکدیگر دست دادن و غیره نیز، یافت می شود به اتفاق تمام محدثین اهل سنت، این حدیث و امثال آن دروغ محض و جعلی و ساختگی هستند هر چند که در بعضی از کتابهای حدیثی یافت می شوند و هستند مؤلفینی که گفته اند: این حدیث صحیح است اما همچنان که قبلاً گفته ایم بدون شک چنین گفته ای کاملاً غلط است و هیچکدام از پیشوایان امت اسلام غسل کردن، سرمه به چشم زدن حنا بستن و غیره را در روز عاشورا مستحب ندانسته اند و حتی یک نفر از کسانی که بتوان در امورات دینی به وی مراجعه کرد چنین موردی را ذکر نکرده و این اعمال را پیامبر اکرم و جانشانش ابوبکر و عمر و عثمان و علی انجام نداده اند. این و امثال آن در هیچکدام از مسانید معتبر حدیثی

مانند: مسند امام احمد، مسند اسحاق، سند حمیدی، مسند دالانی، مسند ابویعلی و غیره و یا در هیچ کدام از صحاح سته و سنن و سایر آثار محدثین مانند: مؤطأ امام مالک، کتاب حدیث وکیع، مصنف حافظ عبدالرزاق و یا کتابهای ارزشمند امام ابن منصور، امام ابن ابی شیبہ و غیره یافت نمی شود. (با توجه به وجود این روایت جعلی و ساختگی) عده ایی از اهل بدعت گمان کرده اند که کسانی که در روز عاشورا غسل کرده یا سرمه به چشم زده و یا حنا به موی خود بزنند این کارها را به خاطر دشمنی و عداوت با اهل بیت و انتقام گرفتن از آنان انجام می دهند، اما اهل سنت واقعی به آنان پاسخ داده و برائت خود را از دشمنی با اهل بیت پیامبر اعلام داشته و روشن کرده اند که در واقع اهل سنت، بیشتر مستحق و لایق دوستی و موالات با اهل بیت هستند و در حقیقت نیز چنین است.

اما هستند کسانی از اهل سنت (با وجود محبت و موالات و دوستی فراوان با اهل بیت، به علت عدم اطلاع از ساختگی بودن چنین روایاتی) واقعاً گمان کرده اند که چنین اعمالی در روز عاشورا مستحب است. حال خدا می داند چه کسی این روایات را جعل کرده و چنین بدعت‌هایی ساخته و آیا واقعاً هدفش دشمنی با اهل بیت بوده یا با شیعه؟ اما در هر حال، هدایت را بایستی از خداوند گرفت و گشتن به دنبال هدایت از طریق غیر خدا، گمراهی است.

بر ما واجب است از کتاب و سنتی که از جانب پروردگارمان برای ما نازل شده پیروی کرده و به راه راست پایبند باشیم، راه کسانی که خداوند نعمت (ایمان) را به آنان عطا فرموده یعنی پیامبران، تصدیق کنندگان آنان، شهدای راه حق و نیکوکاران.

و همچنین بر ما لازم است همگی به ریسمان محکم و ناگسستنی چنگ زده و پراکنده نشویم و به هر آنچه خدا امر فرموده امر کنیم که معروف همان است و از آنچه خداوند نهی فرموده نهی کنیم که در واقع منکر نیز همان است و تلاش کنیم در تمام کارهای نیکمان اخلاص داشته باشیم و دین اسلام همین است و بس.

(این آیات قرآن را ببینید که همگی دعوت به اخلاص عمل و وحدت و پرهیز از تفرقه می کنند).  
 بلی من أسلم وجهه لله و هو محسن فله اجره عند ربه و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون بله آن کس که روی خود را تسلیم خدا کرده و در عین حال نیکوکار است اجر و پاداش او نزد خدا بوده و ترس بر آنان نیست و غم و اندوهی ندارند.  
 و من أحسن دیناً ممن أسلم وجهه لله و هو محسن و اتبع ملة ابراهیم حنیفاً و اتخذ الله ابراهیم خلیلاً چه کسی دین بهتری دارد از آن کسی که روی خود را تسلیم خدا کرده و در عین حال نیکوکار است و دنبال راه پاک ابراهیم می رود و براستی که خداوند ابراهیم را دوست و محبوب خود قرار داده است.

و إذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا علیها آباءنا و الله أمرنا بها قل إن الله لا یأمر بالفحشاء أتقولون علی الله ما لا تعلمون قل امر ربی بالقسط و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین کما بدأکم تعدون فریقاً هدی و فریقاً حق علیهم الضلالة إنهم اتخذوا الشیاطین اولیاء من دون الله و یحسبون أنهم مهتدون.

وقتی کار بدی انجام می دهند می گویند: پدران ما بر این راه بوده اند و خدا نیز ما را بدین کار امر فرموده، بگو هرگز خدا به کار بد دستور نمی دهد آیا کلامی را به خدا نسبت می دهید که به آن آگاهی ندارید؟ بگو پرورگارم به

قسط و داد امر کرده و (فرموده است) در هر محل سجده ایی روی خود را برای عبادت خدا خالص کرده و خالصانه وی را بخوانید که دین و برنامه از آن او است. همچنان که از اول شما را خلق کرده باز می گرداند عده ایی از شما هدایت یافته و عده ایی دیگر گمراهی بر وی واجب می گردد برآستی که آنان به جز خدا (بجای او) شیاطین را دوست و سرپرست خود قرار داده و گمان می کنند که هدایت یافته اند.

يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون الى قوله تعالى يوم تبيض وجوه و تسود وجوه. ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوای خدا را پیشه کرده و سعی کنید که جز به مسلمانی از دنیا نروید تا آنجا که می فرماید: (روز قیامت) روزی است که چهره هایی سفید و نورانی و چهره هایی دیگر سیاه می شوند.

امام ابن عباس می فرماید: چهره های اهل سنت و جماعت سفید و نورانی و چهره های اهل بدعت و حزبگرایی سیاه می شوند.

إن الذين فرّقوا دينهم و كانوا شيعا لست منهم في شيء آنانیکه دین خود را پارچه پارچه کرده و به گروهها و حزبها تقسیم شده اند، تو در هیچ موردی با آنان نیستی.

و ما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلاة و يؤتوا الزكاة و ذالک دين القيمة به آنان امر نشده جز اینکه خالصانه برای خدا عبادت کنند که دین و برنامه از آن او است و نماز را برپا داشته و زکات را پردازند که این، دین راست و محکم و مستقیم است.

**گنبد و بارگاه و قبرهای منسوب به پیامبران جعلی و دروغین است.**

تنها دربار قبر ائمه دروغ پردازی نشده بد که قبرهای منسوب به پیامبران نیز، ساختگی است مانند: قبری که در دامنه کوهی در لبنان نزدیک بعلبک که به آن قبر حضرت نوح می گویند و یا قبری که در جلو مسجد جامع دمشق واقع است و به قبر حضرت هود معروف است که در واقع قبر معاویه پسر ابی سفیان است.

و یا قبر ابی ابن کعب (صحابی) در شرق دمشق در حالی که به اتفاق تمام علما ابی ابن کعب به دمشق نیامده و همچنین قبرهای همسران پیامبر (أُمّهات المؤمنین) در دمشق در حالی که همه آنان در مدینه منوره وفات یافته اند.

و یا قبر علی ابن حسین و امام جعفر صادق در مصر در حالی که علما بر ساختگی بودن آنان اتفاق نظر دارند و این دو شخصیت بزرگوار هر دو در مدینه وفات یافته اند.

شیخ عبدالعزیز کنانی در کتاب الحدیث المعروف می گوید: درباره قبر پیامبران به جز پیامبر خودمان هیچ حدیث و روایت ثابت و مورد اطمینانی در دست نیست و هستند کسانی که گفته اند به جز قبر پیامبر خودمان تنها قبر حضرت ابراهیم صحیح است.

## **سبب اضطراب در تعیین محل قبر بزرگان چیست؟**

علت اضطراب علما در تعیین و تشخیص محل قبر بزرگان این بوده که محفوظ ماندن قبر از جمله مسائل دینی نیست چون پیامبر اکرم از این که قبر، محل سجده واقع شود نهی فرموده است.

پس چیزی که دانستنش جزو مسائل دینی نباشد، محفوظ ماندنش نیز واجب نیست. اما علمی که خداوند پیامبرش را برای آن فرستاده، محفوظ و نگهبانی شده است همچنان که خداوند می فرماید: **إنا نحن نزلنا الذكر و إنا لحافظون ما خود**

قرآن را نازل کرده و خود نیز از آن محافظت می‌کنیم.

در حدیث صحیح موجود است که پیامبر فرمود: لا تزال طائفة من أمتی ظاهرين علی الحق لا یضرهم من خالفهم و لا من خذلهم حتی تقوم الساعة همیشه عده ایی از امتم بر دفاع از حق باقی می‌مانند، کسانی که با آنان مخالفت می‌کنند و یا می‌خواهند آنها را ذلیل و خوار کنند، نمی‌توانند به آنان ضرری برسانند و این وضع ادامه دارد تا قیامت برپا خواهد شد.

ریشه این دروغ پردازیها گمراهی و بدعت‌گذاری و شرک است. گمراهان گمان کرده اند که سفر کردن به سوی این قبرها و نماز خواندن و نذر و نیاز کنار آنها و بوسیدن و لمس کردن و غیره، عبادت و کار نیک محسوب می‌شوند حتی می‌بینیم که یکی از پیشوایان رافضی به اسم محمد پسر نعمان مشهور به شیخ صدوق و ملقب به مرتضی و ابی جعفر طوسی در کتابی تألیف کرده با نام الحج الی زیارة المشاهد، در این کتاب روایات زیادی در رابطه با زیارت قبر و سفر به سوی آنها را به پیامبر و اهل بیت نسبت داده که نمونه آن برای زیارت خانه خدا در دست نیست.

بیشترین روایاتی که در کتابش ذکر کرده واضح ترین دروغ و روشن ترین تهمت است و من بسیار بیشتر از اکاذیب و افتراءات کتابهای یهود و نصاری در آن کتاب دروغ و افترا را دیده ام، این روایات را در اصل منافقین و کفار به وجود آورده و ساخته اند تا بدین شیوه بتوانند راه مردم از پیشرفت به سوی دین اسلام را گرفته، دینشان را فاسد کرده و نابود کنند اخلاص در عبادت و دین یعنی شرک را برایشان اختراع کنند.



همچنانکه ابن عباس و عده ای دیگر از سلف صالح در رابطه با این آیه شریفه که درباره قوم نوح می فرماید: و قالوا لا تذرن آلهمکم و لا تذرن وداً و لا سواعاً و لا یغوث و یعوق و نسرأ و قد أضلوا کثیراً می گفتند خدایان خود را ترک نکنید و همچنین وداً و سواع، یغوث، یعوق و نسر را ترک نکنید و بدین شیوه مردمان زیادی را گمراه کردند.

(سلف) می فرماید: این پنج نام، اسامی مردان صالحی از قوم نوح بوده وقتی مرده اند مردم روی قبر آنان عبادت کرده و سپس تصویر و مجسمه آنان را ساخته اند.

امام بخاری در صحیح خود ین داستان را به طور مفصل در اول کتاب قصص الأنبیاء بیان فرموده است.

این گونه شد که عده ای از فلاسفه ستاره پرست و مشرک در تأیید این شرک، کتابهایی تالیف کرده و گروه خبیث قرامطه باطنیه بر دشمنی خدا و رسول به توافق رسیده تا به کمک یکدیگر توانستند مردمان بسیار زیادی را گمراه کرده و از راه راست دورشان کنند.

کمترین علامت و نشانه آنان تعطیل مساجد و در مقابل تعظیم و بزرگداشت قبور ائمه است. آنها قبر ائمه را بزرگ داشته و آنها را (مانند خانه خدا) زیارت می کنند قبرها را به گونه ای برای خدا شریک قرار می دهند که هرگز خدا و پیامبر و پیشوایان دین به آن امر نکرده بلکه خداوند متعال به شدت بندگان خود را از آن باز می دارد.

و مسجد همان مکان مقدسی که خداوند به ساختن و عبادت و ذکر در آن امر فرموده را عملاً تخریب و ویران کرده اند نمازهای جمعه و جماعت را به

بهانه های واهی مانند: نماز فقط پشت سر معصوم جایز است، ترک می کنند.

## اولین کسی که قول به عصمت امام علی را اختراع کرد.

اولین کسی که قول به عصمت امام علی و خلافت بلافصل وی را ابداع کرد رئیس این منافقان عبدالله پسر سبا یهودی بود، این مرد در اصل یهودی بوده و به ایمان و اسلام تظاهر می کرد و همچنان که بولص دین نصاری را به فساد کشاند، ابن سبا نیز خواست دین اسلام را به فساد بکشاند، امام علی در عهد خلافت خویش وقتی شنید که ابن سبا به ابوبکر و عمر اهانت می کند خواست تا وی را به قتل برساند اما او فرار کرد.

کسانی نیز بودند که امام علی را خدای خویش می دانستند امام علی آنان را با آتش سوزاند و در رابطه با کسانی که وی را بر ابوبکر و عمر برتری می دادند فرمود: هر کدام از آنان را بگیرم حدّ مفتری (هشتاد ضربه شلاق) را بر وی جاری می کنم.

این گمراهان دروغ پرداز، دنباله روان منافقین و کفار مهمترین شعار دین اسلام و ستوان آن را تعطیل کرده و بزرگترین سنت و روش از سنن هایت پیامبر را ترک کرده اند با چنین بهانه ایی پوچ و بی معنا در نماز جمعه و جماعت شرکت نمی کنند.<sup>3</sup>

دارندگان این عقیده در میان مساجد و مقابر فرقی نگذاشته و انواع عبادت مانند: نماز، دعا، تلاوت قرآن، ذکر و غیره را همانند مساجد در مقابر نیز مشروع و روا می دانند حتی گاهاً

<sup>3</sup> - دیدیم که در ایران تا حکومت شیعه تشکیل نشد جمعه و جماعت وجود نداشت و اولین نماز جمعه تهران به امامت طالقانی پس از تشکیل حکومت و پیروزی انقلاب اقامه شد (مترجم).

با زبان حال یا مقال عبادت در کنار قبر را بر عبادت در مساجد برتری می دهند در بسیاری از موارد اگر یکی از آنان قصد توبه و عبادت کند، فوراً به نزد قبر یکی از بزرگان رفته و در آنجا آنچنان با جدیت به دعا و گریه و خشوع و خضوع و توبه کردن می پردازد که هرگز در مساجد و یا نیمه های شب و سجده های وی برای پروردگار چنین حالتی دیده نمی شود.

کار به جایی رسیده که بیشتر آن جاهلان چگونگی قوم نصاری از حضرت عیسی و مادرش کمک و یاری می طلبند، اینها نیز مردگان را به یاری و کمک می خوانند آن هم در کارهایی از قبیل حل مشکلات بر آورده شدن نیازها، آسانی کارها، غلبه بر دشمن، دفع مصیبت و بلا و امثال اینها که جز در توان پروردگار زمین و آسمان نیست.

حتی وقتی یکی از آنان به حج می رود هدف اصلی و نیت درونی اش انجام عبادتی نیست که خدا بر وی فرض کرده و شعار یکتاپرستی آئین ابراهیم است بلکه مقصود اصلی وی از حج کردن، زیارت مدینه است و حتی هدف وی از زیارت مدینه نیز کاری نیست که پیامبر اکرم او را به انجام آن تشویق کرده همچنان که می فرماید: صلاة فی مسجد الحرام خواندن یک نماز در مسجد من بهتر از خواندن هزار نماز در سایر مساجد است جز مسجد الحرام.

و در مدینه منوره نیز به کارهایی اهمیت نمی دهد که خداوند به آن امر فرموده از قبیل فرستادن درود و سلام بر پیامبر اکرم، اطاعت امر و تبعیت از سنتهای ایشان، احترام و بزرگداشت وی به نحوی که او را از خانواده، ثروت، اولاد، اقوام و حتی از نفس خویش محبوب تر بداند. بلکه تنها منظور وی از سفر به

مدینه، زیارت قبر پیامبر و چند قبر دیگر است که نه تنها خدا و پیامبرش به آن امر نفرموده اند بلکه یاران پیامبر نیز آن را انجام نداده و ائمه و پیشوایان دینی هم تأیید نکرده اند. بعضی مواقع زیارت قبر را بر حج خانه خدا برتری داده و یا آن دو را با هم برابر می دانند، در هر حال به اتفاق تمام علما، تمام این موارد گمراهی آشکار و انحراف از دین است.

### **نهی از سفر به قصد زیارت قبر، رأی**

#### **جمهور علما است.**

اصل سفر کردن به قصد زیارت قبر، نزد جمهور علم نامشروع است حال فرقی ندارد آن قبر پیامبر یا غیر پیامبر باشد حتی رأی جمهور بر این است در صورت وقوع چنین سفری آن مسافر به علت معصیت بودن سفرش نمی تواند نمازهایش را شکسته بخواند بلکه باید تمام آنها را کامل بخواند برای این برخورد شدید نیز به این حدیث صحیح پیامبر استناد کرده اند که می فرماید: لا تشدّ الرّحال إلاّ إلى ثلاثة مساجد المسجد الحرام و المسجد الأقصى و مسجدی هذا به سوی هیچ مکانی بار سفر نبندید جز به سوی سه مسجد: 1- مسجد الحرام 2- مسجد الأقصى 3- همین مسجد خودم (جای شک و تردید نیست که) پیامبر از همه بیشتر به این مسئله علم و آگاهی داشته است. کلیه احادیثی که در رابطه با زیارت قبر آمده ضعیف بلکه بیشتر آنان ساختگی و جعلی هستند. تا حدی که امام مالک و بسیاری دیگر از مجتهدین امت اسلام می گویند: کراهت دارد بگویی: قبر پیامبر را زیارت کردم، مشروع و مستحب این است که وقتی به نزد قبر پیامبر رسیدی، بروی سلام کنی، همانند صحابه و تابعین که چنین کرده اند، این موضوع در جاهای دیگر روشن گشته است.

یکی دیگر از اعمال نامشروعی که از آن نهی شده طواف کردن غیر کعبه است. تمام مسلمانان بر این متفق اند که طواف فقط مخصوص بیت المعمور بوده و جایز نیست اماکنی همچون صخره بیت المقدس، حجره پیامبر، قبه کوه عرفات و غیره را طواف کرد.

و همچنین بر این نیز متفق اند که لمس کردن و بوسیدن نیز، جز برای رکن یمانی و حجر الأسود نامشروع و ناروا است حجر الأسود لمس گشته و بوسیده می شود و رکن یمانی فقط لمس می شود چون قول به بوسیدن رکن یمانی ضعیف است.

اما بوسیدن و لمس کردن اماکنی همچون گوشه های بیت الله الحرام، دو رکن شامی، مقام ابراهیم، صخره بیت المقدس، حجره پیامبر، قبر پیامبران و اولیا و غیره همگی نامشروع و ناروا است.

### **پیامبر اکرم از اینکه امتش مانند**

### **یهود و نصاری گردد، هشدار داده است.**

در صحیحین (مسلم و بخاری) از ابی هریره روایت است که پیامبر اکرم فرمود: قاتل الله الیهود و النصاری اتخذوا قبور أنبیائهم و فی روایة لمسلم لعن الله الیهود و النصاری اتخذوا قبور أنبیائهم مساجد خداوند یهود و نصاری را نابود کند که قبر پیامبران خود را محل سجده قرار داده اند و در روایت مسلم آمده که خدا یهود و نصاری را لعنت کند که قبر پیامبران خود را سجده گاه قرار داده اند.

و همچنین در صحیحین از ام المؤمنین عایشه و ابن عباس روایت است که: لما نزل برسول الله طفق یطرح خمیصة له علی وجهه: فإذا اغتم بها کشفها عنه وجهه فقال و هو کذالك لعن الله الیهود و النصاری اتخذوا قبور انبیائهم مساجد یحذر ما صنعوا پیامبر اکرم در مرض الوفاش هر بار که احساس شدت درد می کرد با تکه پارچه ای صورت

مبارکش را می پوشاند اما به محض اینکه مقداری آرام می شد، فوراً پارچه را بر می داشت و در همان حالت می فرمود خدا یهود و نصاری را لعنت کند که قبر پیامبران خود را محل سجده قرار داده اند پیامبر به وسیله این جملات به امت خود از ارتکاب چنین عملی هشدار می داد.

و دوباره در صحیحین از ام المؤمنین عایشه روایت است که فرمود: قال رسول الله في مرضه الذي لم يقم منه لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور انبيائهم مساجد و اولاً ذالك أبرز قبره غير أنه خشي أن يتخذ مسجداً پیامبر اکرم در همان مریضی آخر که از آن بر نخواست فرمود: خداوند یهود و نصاری را لعنت کند که قبر پیامبران خود را محل سجده قرار دادند، و اگر پیامبر چنین نمی فرمود، قبرش را بلند می کردیم اما ترس از این بود که مبادا سجده گاه مردم قرار بگیرد.

در صحیح مسلم از جندب بن عبدالله روایت است که فرمود: سمعت رسول الله قبل موته بخمس إنی أبرؤ الى الله أن يكون لي منكم خليل فإن الله اتخذني خليلاً كما اتخذ ابراهيم خليلاً و لو كنت متخذاً من امتي خليلاً لاتخذت أبابكر خليلاً ألا و إن من كان قبلكم اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد ألا فلا تخذوا القبور مساجد فإني أنهاكم عن ذالك من از اینکه در میان شما خلیلی<sup>4</sup> انتخاب کنم براءت خود را به نزد خدا اعلام می کنم خداوند مرا به عنوان خلیل خود انتخاب فرموده و اگر قرار بود در میان امتم کسی را به عنوان خلیل انتخاب کنم، ابوبکر را انتخاب می کردم، آگاه باشید امتهای قبل از شما قبر پیامبران خود را به محل نماز تبدیل کرده بودند، بیدار باشید شما

4 - خلیل به دوستی گفته می شود که محبت وی در دل بالاترین محبت باشد. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر ج1 باب خاء (مترجم).

قبرها را سجده گاه قرار ندهید من شما را از چنین کاری باز می دارم.

و همچنین در صحیح مسلم از ابو مرثد غنوی روایت است که پیامبر فرمود: لا تجلسوا علی القبور و لا تصلوا الیها روی قبر ننشینید و به سوی آن نماز نخوانید.

از ابوسعید خدری نیز روایت است که می فرماید: پیامبر اکرم فرمود: الأرض کلها مسجد إلا المقبرة و الحمام همه جای سرزمین محل سجده است جز گورستان و حمام.<sup>5</sup>

در صحیحین از ام المؤمنین عایشه روایت است که فرمود: لما اشتكى النبي ذكر له بعض نساءه أنها رأت كنية بأرض الحبشة يقال له: مارية و كانت أم سلمة و أم حبيبة أتيا أرض الحبشة فكرتا من حسنهما و تصاويرها فيها فرفع رأيه فقال: أولئك إذا مات فيهم الرجل الصالح بنوا على قبره مسجداً و صوروا فيه تلك الصور أولئك شرار الخلق عند الله.

وقتی پیامبر اکرم مریض شد همسرش ماریه کنیسه ای را که در سرزمین حبشه دیده بود برایش تعریف می کرد، ام سلمه و ام حبیبه (که در وقت هجرت) به حبشه رفته بودند از زیباییها و تصاویر داخل آن گفتند، پیامبر اکرم سرش را بلند کرد و فرمود: آن قوم (نصاری) اگر مرد صالحی در میان آنها بمیرد بر قبرش مسجدی ساخته و آن تصاویر را داخل آن می برند آنان بدترین مخلوق نزد خدایند.

ابن عباس می فرماید: لعن رسول الله زوارات القبور و المتخذين عليها المساجد و السرج<sup>6</sup> پیامبر خدا زنان زیارت کننده قبر را لعنت کرده و همچنین بر کسانی که بر روی قبر، مسجد

<sup>5</sup> - ابوداود، ابن ماجه و ترمذی آن را روایت کرده بعضی از آنها آن را مرسل دانسته و حافظ آن را صحیح می داند.

<sup>6</sup> - ابوداود، نسائی و ترمذی آن را روایت کرده و ترمذی آن را حسن دانسته است.

ساخته و آن را چراغانی می کنند لعنت فرستاده است.

امام مالک در موطأ از پیامبر اکرم نقل کرده که فرمود: اللهم لا تجعل قبری و ثنا یعبد پروردگارا قبر مرا بتی قرار نده که پرستش شود.

و همچنین در سنن ابی داود نیز آمده که پیامبر فرمود: لا تتخذوا قبری عیداً و لا تتخذوا بیوتکم مقابر قبر مرا محل رفت و آمد قرار ندهید و منازل خود را به گورستان تبدیل نکنید (پس عبادت در گورستان حرام و نامشروع است) اما عبادت در مساجد مانند: نماز، تلاوت قرآن، دعا و غیره (امری مشروع و دستور خدا است این آیات قرآن را ببینید که همگی آنها انسان را به عبادت در مساجد تشویق می کنند).

و من أظلم ممن منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه و سعی فی خرابها چه کسی ظالمتر از آن کسی است که (مردم را) از ذکر و یاد خدا در مساجد منع کرده و در ویرانی مسجد تلاش می کند؟

إنما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر و أقام الصلاة کسانی مساجد را آباد می کنند که به خدا و روز قیامت ایمان داشته و نماز را برپای می دارند.

قل أمر ربی بالقسط و أقیموا وجوهکم عند کل مسجد بگو پروردگارم به عدالت دستور داده و امر فرموده که در هر مسجدی عبادت خود را برای خدا خالص کنید.

و أن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحداً مساجد متعلق به خدایند پس همراه خدا کسی دیگر را نخوانید.

فی بیوت أذن الله أن ترفع و يذكر فیها اسمه در خانه هایی که خدا اجازه داده بر پا گشته و در آنها ذکر و یاد خدا گردد.



و لا تباشروهن و أنتم عاكفون فى المساجد در حالى كه در مساجد مشغول اعتكاف هستيد با همسران خود مقاربت نكنيد.

در صحيحين آمده كه پيامبر اكرم فرمود: صلاة الرجل فى المسجد تفضل على صلاته فى بيته و سوجه بخمس و عشرين درجة و فى لفظ صلاة الجماعة أفضل من صلاة أحدكم بخمس و عشرين درجة. نماز انسان در مسجد 25 برابر برتر از نماز وی در منزل و یا مغازه اش می باشد و در لفظی دیگر می فرماید: نماز جماعت 25 درجه برتر از نماز هر کدام از شما (بصورت انفرادی است).

در حدیث صحیح آمده كه پيامبر بزرگوار می فرماید: أثقل الصلاة على المنافقين صلاة العشاء و صلاة الفجر و لو يعلمون ما فيهما لأتوهما و لو حبوا و لقد هممت أن أمر بالصلاة فتقام ثم أمر رجلا فيصلى بالناس ثم أنطلق برجال معي، معهم حزم من حطب الى قوم لا يشهدون الصلاة فأحرق عليهم بيوتهم بالنار سنگين ترين نماز بر دوش شما منافقين نمازهای عشاء و صبح است و اگر می دانستند چه اجر و پاداشی در آن دو نماز وجود دارد خود را به مسجد می رساندند حتی اگر تنها روی دست و زانو ممکن بود، براستی كه می خواستم دستور به برپایی نماز جماعت داده و مردی را برای امامت نماز انتخاب كنم و سپس با مردانی كه هیزم و چوب خشك همراه دارند بروم و منازل کسانی را كه در نماز جماعت حاضر نشده اند بسوزانم.

در صحیح مسلم از ابوهريره روايت شده كه أتى النبى رجل أعمى فقال رسول الله إنه ليس لى قائد يقودنى إلى المسجد فسأل رسول الله أن يرخص له فلما ولى دعاه فقال: هل تسمع النداء بالصلاة؟ قال نعم قال: فأجب مرد نابینایی به محضر پيامبر آمده و گفت: ای پيامبر خدا کسی را

ندارم که دستم را گرفته و مرا به مسجد برساند و از پیامبر درخواست کرد تا اجازه دهد نمازهایش را در منزل بخواند پیامبر به وی اجازه داد اما وقتی مرد خواست برود پیامبر وی را صدا زد و فرمود: آیا صدای اذان را می شنوی؟ آن مرد گفت: بله، پیامبر فرمود: پس باید اجابت کنی (به مسجد بیایی).

همچنین در صحیح مسلم آمده که عبدالله ابن مسعود فرموده است: مَنْ سَرَّه أَنْ يَدْقِيَ اللَّهَ غَدًا مُسْلِمًا فَلْيَحَافِظْ عَلَى هَذِهِ الصَّلَوَاتِ حَيْثُ يَنَادِي بِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ شَرَعَ لِنَبِيِّكُمْ سُنَنَ الْهُدَى وَ إِنَّهِنَّ مِنْ سُنَنِ الْهُدَى وَ لَوْ أَنْكُمْ صَلَّيْتُمْ فِي بَيْتِكُمْ كَمَا يَصَلِّي هَذَا الْمُتَخَلِّفُ فِي بَيْتِهِ لَتَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ وَ لَوْ تَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ لَضَلَلْتُمْ وَ مَا مِنْ رَجُلٍ يَتَطَهَّرُ فَيُحْسِنُ الطَّهْوَرَ ثُمَّ يَعْمِدُ إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ هَذِهِ الْمَسَاجِدِ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ يَخْطُوهَا حَسَنَةً وَ يَرْفَعُهُ بِهَا دَرَجَةً وَ يَحُطُّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةً وَ لَقَدْ رَأَيْنَا وَ مَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْلُومُ النِّفَاقِ وَ لَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ يُؤْتَى بِهِ يَهَادَى بَيْنَ رَجُلَيْنِ حَتَّى يَقَامَ فِي الصَّفِّ.

هر کس که دوست دارد فردای قیامت به صورت یک مسلمان به حضور خدا برسد، از این نمازها محافظت کند براستی که خداوند سنتهای هدایت را برای پیامبر شما مشروع فرموده و این نمازها از جمله آن سنتها هستند و اگر شما مانند این فردی که از نماز جماعت تخلف کرده و در منزل خود نماز را خوانده در منازل نمازها را بخوانید راه و روش پیامبرتان را ترک کرده اید و اگر راه و روش وی را ترک کنید گمراه می شوید هر کس که وضوی صحیحی گرفته و سپس به یکی از مساجد برود با هر قدمی که بر می دارد خداوند برای وی حسنه ایی نوشته، درجه ایی مقامش را بلند کرده و گناهی را از وی پاک می

کند (شما) ما را می دیدید (در زمان پیامبر) جز منافعی آشکار هیچ کس از نماز جماعت تخلّف نمی کرد. (به تحقیق می دیدی اگر کسی مریض بود با وجود مریضی اش) خود را در میان دو نفر می آوردند تا داخل صف نماز جماعت می شد. این فصل بسیار وسیع است که ما با کتابهایی که بر راه و روش هدایت در این مورد نوشته ایم، بسیار هشدار داده ایم که به راستی جدایی است میان اهل توحید دنباله روان آئین ابراهیمی و تابعین دینی که خداوند پیامبران را برای تحقق بخشیدن به آن فرستاده و کتابهایش را نیز به همین منظور نازل فرموده و در میان کسانی که حق را با باطل پوشانده و توحید را با شرک آمیخته اند.

### **(این آیات قرآن را بنگرید که همگی به توحید امر کرده و از شرک حذر می دهند).**

و اسأل من أرسلنا من قبلك من رسلنا أبعثنا من دون الرحمن آلهة يعبدون درباره کسانی که قبل از تو به عنوان پیامبر آنها را فرستاده ایم بپرس، آیا به جز خدای مهربان خدایانی را برای پرستش قرار داده ایم؟

و ما أرسلنا من قبلك من رسول إلا نحى إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون ما هیچ پیامبری را قبل از تو نفرستاده ایم مگر اینکه به او وحی کرده ایم که هیچ معبود بر حق جز من وجود ندارد پس فقط مرا پرستش کنید.

و لقد بعثنا في كل امة رسولا أن اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت در میان هر امتی پیامبری را مبعوث کردیم تا آن قوم الله را پرستش کرده و از طاغوت دوری گزینند.

و ما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين به  
 أنها امر نشده بود جز اینکه خالصانه برای الله  
 عبادت کنند که دین، فقط از آن او است.  
 فأقم وجهك للدين حنيفاً فطرة الله التي فطر الناس  
 عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم و لكن  
 أكثر الناس لا يعلمون ينبين اليه و اتقوه و  
 أقيموا الصلاة و لا تكونوا من المشركين من  
 الذين فرقوا دينهم و كانوا شيعاً كل حزب بما  
 لديهم فرحون.

خود را برای عبادت و دین پاک خدا خالص کنید،  
 این فطرت خداوندی است که مردم را بر آن  
 آفریده و آفرینش پرورگار غیر قابل تغییر است،  
 این دین محکم و استوار است اما بیشتر مردم  
 نمی دانند به سوی خدا برگشته و تقوای او را  
 داشته باشید و نماز را برای داشته و از زمره  
 مشرکین قرار نگیرید مشرکینی که دین خود را  
 پارچه پارچه کرده و به گروههای متعددی تقسیم  
 شده اند و هر حزبی به برنامه خود شادمان است.

مجموع الفتاوی جلد 4 ص 498 به بعد با تصرفی  
 اندک.